

محمد یوسف از کشور دنمارک

## مکثی بر تابعیت دوگانه

قرار معلوم بخشی از وزرای پیشنهادی حکومت « وحدت ملی » تابعیت دو گانه دارند که بر مبنای مندرجات قانون اساسی و مصوبات پارلمان حق تقرر در پست های عالی رتبه دولتی ( وزارت ) را ندارند. اینبار به مشاهده می رسد که نماینده گان ملت نیز با اهداف مختلف تصمیم دارند ، به خاطر تحقق همین ماده قانون و مصوبات مجلس، جدی باشند .

مهاجرت ها در تاریخ همه ملل و جوامع منجمله افغانستان وجود داشته و مربوط به عوامل مختلف سیاسی اقتصادی ، اجتماعی ، باوری ، مذهبی و ... می باشند . مهاجرت ها در بسا موارد به نفع مردمان کشورهای بومی مزایای بی شماری ارمغان داشته است. از کشور ما افغانستان نیز در ادوار مختلف تاریخی مهاجرت افغانها ثبت گردیده است. آگاهان امور مهاجرت اولین مهاجرت افغانها را مربوط به زمان شاه محمود پسر تیمور شاه می دانند. دومین دور آن را در سال های ۱۸۶۰ به استرالیا و دور سوم آنرا دوران عبدالرحمن خان ثبت نموده اند. عوامل و انگیزه مهاجرت های این دوره ها مورد بحث ما نیست.

دوره چهارم مهاجرت ها را از زمان داود خان به بررسی می گیرند . مکث این نبشته پیرامون محور، عدم پذیرش افغانها با تابعیت دوگانه در پست های عالی دولتی است. درین راستا پرسش های وجود دارد که نیاز به کنکاش نقد بررسی و تحلیل می باشند. مثلا اگر پرسیده شود که :

در کابینه و یا حکومت های آغای کرزی وزیران دو تابعیته موجود نبودند. ؟ آیا رییس جمهور کنونی تابعیت دوگانه ندارد ؟ بانو اول کشور تابعیت افغانی دارند. ؟ در پارلمان کشور وکلای با تابعیت دوگانه حضور ندارند ؟ آیا تحقق این ماده قانون به نفع مردم رنج دیده و عذاب کشیده ما است. ؟ شاید پاسخ ها به موارد فوق متعدد و متفاوت باشند که کاملا طبیعی و در خور قبول است. اما اگر به

مهاجرت های دوره چهارم نظری انداخته شود اکثریت این مهاجرین را اشخاص تحصیل کرده ، روشنفکران صاحب ارمان ، سیاست مداران افراد مسلکی ، نظامیان ورزیده و ... تشکیل می دهند.

این گتیگوری مهاجرین در خارج از کشور نیز به افزایش اندوخته های عملی شان همت گماشته و بخصوص به تعلیم و تربیت فرزندان شان سعی و تلاش فراوانی به خرچ داده اند. اکثریت مهاجرین فوق به در یافت رتب علمی و تحصیلات عالی و مسلکی دربخش های مختلف به خصوص تکنالوژی معاصر پرداخته داشته های تیوری و عملی خویش را ارتقا داده اند . یک بخشی از این هموطنان امروز در پوهنتونها موسسات علمی تولیدی ، مالی ، اقتصادی و اداری به کار های سازنده مفید و قابل قدر مصروف اند. نسل دوم این گتیگوری نیز دارند به تدریج از موسسات تحصیلات عالی کشور های اروپایی و امریکا و کانادا و ... سند فراغت بدست می آورند ، که زمانی برای جوانان کشور اصلا میسر نبود و یا هم بس به ندرت برای قشر معینی از اعیان و اشراف با کمیت ناچیز و قلیل میسر می شد. جامعه ما که امروز چانس یافته است این گمشده گانش به دامانش برمی گردند ، افرادی یافت می شوند که تحت نام قانون ، مصوبه و ... از پذیرفتن این سرمایه بزرگ معنوی و رایگان هراس دارند. و دلایل را که مطرح می سازند با منطق زمان و شرایط مسلط بر کشور ما تلفیق و هم آهنگی ندارد.

طرفداران حذف وزیران که تابعیت دو گانه دارند ، استدلال شان اساسا بر ۳ محور متکی است . ۱ - در صورت تعقیب عدلی وزیران دو تابعیته ، آنها به کشور دومی شان فرار و در آنجا از تعقیب عدلی مصونیت حاصل می نمایند و ۲ - اینکه با جامعه اشناهی کامل ندارند و یا گویا درک شرایط کنونی کشور برای شان دشوار است. ۳- وهمچنان اینکه خلاف مواد مندرج قانون اساسی و مصوبه مجلس است.

اگر موارد ذکر شده با بینش باز، دور از دیدگاه های غرض آلود ، زد و بند های از قبل مهندسی شده و دور از سایه تیوری توطیه مطالعه و نقد گردند ، در هیچ بند از آنها منطق علمی ، حجت ، دلیل و برهان روشن و طرف قبول وجود ندارد. در مورد ادعای اول من بیاد فکاهی گونه افتادم که می گویند « اگر را با مگر مزاج کردند از او فرزند شد شاید » قبل ازینکه این کاندید وزیران از پارلمان رای قبول بدست آرند ، وزیر شوند و یا جرمی را مرتکب گردند ، خیال بافان که در تخیل خود غرق و جهان را از

عقب عینک های دودین شان می بینند ، می خواهند تخیلات ذهن خود را بر واقعیت های عینی جامعه و جهان امروز تحمیل دارند. این گروه آگاهانه و یا نا آگاهانه به شخصیت کشی مبادرت ورزیده حرف های نادرست و غیر منطقی را در خور ذهن بیننده گان و شنوده گان وسایل اطلاعات جمعی القا می دارند.

اگر پرسیده شود که تناسب جرم و جنایت در بین آنهای که از خارج آمده اند و آنهای که از داخل به خصوص افراد وابسته به تنظیم ها در پست های عالی گماشته شده اند ، چگونه است ، ویا از جمله متخلفین داخلی چند فیصد شان به پنجه قانون سپرده شده اند و یا حد اقل مورد تعقیب و بازپرس قرار گرفته اند ؟ پاسخ شان چه خواهد بود.

هموطنان عزیز! یک بار به باغ ها ، اسپ ها ، سگ ها ، زمین ها ، پارتمان ، ویلا ها ، شرکت ها و ... مرحوم فهیم معاون اول ریاست جمهوری دوران کرزی دقت کنند ، کسی و یا مقامی توان و جرأت پرسیدن از باز مانده گان آن مرحومی را دارد ؟ جناب استاد عطا محمد نور در مصاحبه با بی بی سی گفتند که سرمایه اوشان بیش از ۵ میلیون دالر نیست. ولو اگر همین اعتراف جناب نور والی بلخ را قبول کنیم باز هم ایا مقامی شخصی و یا رهبری می تواند از او بپرسد که همین ۵ میلیون دالر را طی بیشتر از ۱۰ سال چگونه بدست آوردید ؟ ویا وکیل در ولسی جرگه آغای ... ظاهر نماینده مردم جلال آباد مصرف روزانه ی دار و دستگاه خود را حدود ۱۰۰۰۰۰۰ دالر امریکای اعلان می دارد . ایا مقامی شخصی ، رهبری ، قانونی مصوبه ی قادر به استجواب از او استند ؟ ذکر این ۳ نام نمونه از فهرست طویل و عریض ی است که مردم کشور همه آنها را خوب می شناسند بدون کوچک ترین تردید ، میتوان این لست را با نام رهبران جهادی بدون استثنی ، والیان قوماندانان ، ولسوالان ، روسا ، معین ها و ... با فاکت و ارقام و اعداد چنان طویل ساخت که صد ها محاسب و مفتی و محریر و قاضی از بررسی ان عاجز آیند. در بین همین وکلا و از جمله همین وزرای یک تابعیته اعضای فامیل چند فیصد شان در داخل کشور به سر می برند. ؟ حتی در بین همین کمیت محدود کاندید وزرای یک تابعیته کسانی اند که فامیل های شان را به خارج طی همین یکی دو سال فرستاده اند و طبق دستور شان فامیل ها در کیس های شان شوهرانشان را مفقود و مرحوم وانمود ساخته اند. بنا برین محروم

ساختن افغانهای که تابعیت دوگانه دارند از احراز پست وزارت به زیان جامعه روشنفکری ، ترقی و پیشرفت دموکراسی و مردم سالاری در افغانستان بوده ، منحیث یک توطیه پنهان جهادی \_پاکستانی لازم است بررسی و افشا گردد.

دوم گویا کاندید وزیران دو تابعیته شناخت شان از جامعه تکمیل نیست. اگر هدف این هموطنان از شناخت مسله رشوت ، ظلم ، خود محوری ، انحصار ... است چه خوب که با این «سجایای» افغانستان امروزی هیچ کسی هرگز آشنا نباشد. واگر هدف از شناخت علمی جامعه است در آن صورت به مدعیان این فرضیه باید گریست که تا چه حد عقب مانده اند. جامعه شناسی یک علم است ، وسیع با شکل و مضمون مشخص و ابعاد گسترده که نمیتوانم اینجا داخل جزئیات آن شوم. دوم جهان امروز از برکت تکنیولوژی معاصر به دهکده ای مبدل شده است که حوادث ، رخداد ها و جریانات سیاسی نظامی را منجمله جریانات مربوط به افغانستان را شاید انهای که در خارج اند بمراتب زود تر د از برکت امکانات و سهولت های این کشور ها نسبت به اکثریت مردم و حتی روشنفکران داخل کشور خبر شوند ، بخصوص آنهای که با سیاست و مسلل اجتماعی علاقه و یا سر و کار دارند. در مورد کاندید وزیران دو تابعیته باید گفت که آن ها بطور دوامدار با مردم و از مشکلات ، درد ها و رنج های مردم شان آگاهی داشته و کار های موثری را انجام داده اند زیرا احساس و دین وطنپرستی و مردم دوستی در ذهن و ضمیر آنها بمراتب قویتر از سیاست بازان داخلی زنده و پویا است. به گونه مثال محترم نورالحق علومی که من به شخصیت نظامی و سیاسی شان ارج می گذارم رهبر یکی از احزاب چپ میانه رو افغانستان میباشدند. آگاهان سیاسی می دانند رهبر حزب سیاسی یعنی چه ؟ یعنی کاندید ریاست جمهوری . حزب متحد ملی یکی از اولین احزاب راجستر شده افغانستان است . اوشان در دور قبلی وکیل همین پارلمان هم بودند. قانون شما وکلای طرفداران تابعیت یگانه چه صراحتی درین مورد دارد ؟ اگر هموطنان دو تابعیته توسط امریکا انگلیس ... آورده شود وپرشانه های ملت سوار گردند شما حرف با بادار ندارید و به آنها کف می زنید ولی اگر هموطنی خودش حاضر به خدمت گذاری شد ، تابعیت دوگانه اش به شما مشکل سازاست. ازین مورال دوگانه نمی شرمید ؟ چرا در مورد وکلا و سایرین این پرنسیب موجود نیست ؟ پاسخ روشن

است پست های غیر از کابینه در مارکیت و دوکان های شما خرید و فروش نمی شوند . ویا متاع بازار تان نیستند ، وشما نفع و ضرری از آنها ندارید.

در مورد اینکه خلاف قانون است نمی خواهم از خود حقوق دان بسازم و کسانی که علاقه مند میباشند بهترین پاسخ ها را در سخنان محترم خانم شکریه بارکزی این زن پیش تاز همین دوره می توانند بدست بیاورند. .

این هموطنان دو تابعیته ما را کشور ها دومی شان دعوت نموده بودند جبر زمان وقهر و ظلم حاکمان ظالم خود محور و وابسته به استخبارات منطقه و جهان از انواع و اقسام مختلف ، چون خاندان آل یحیی ، چپی ها ، جهادی ها، طالب و القاعده ... و تا امروز باعث هجرت این عزیزان گردید است .

دوره حاکمیت جهادی هجرت را چنان وسعت بخشید که وطن را از کادر های صادق ، وفا دار به مردم و وطن ، با ایمان متخصص و ... تقریبا خالی ساخت. و چور چپاول ، رشوه فساد ، بی عفتی ، بی ایمانی ، تجاوز به مال و ناموس فرد و جمع چنان دامن گیر سر زمین افغانها گردید که کنترل و تنظیم ان گاه گاهی ناممکن به نظر می رسد. اکنون که تحت فشار جامعه جهانی روزنه کوچک امید به خاطر بدست آوردن و یا احیای ابروی از دست رفته کشور فراهم گردیده است ، باز با همان شمشیر و سیف و ذوالفقار زنگ زده که روزی بر قامت نهضت امانی فرود آمده بود و حرکت چپ نو بنیاد سال های ۷۰ را به کمک سیا و ای اس ای به زنجیر کفر و والحاد بست یک بار دیگر دارد بر قامت دموکراسی غربی نو بنیاد فرود آید. مردم عزیز کشورم به خصوص جوانان امروزین بیدار شوید، ما که از قافله تمدن معاصر بیگانه و فاصله زیاد گرفته ایم حد اقل نگذارید باز هم مسیر حرکت تان به سوی گمراهی ، بربریت ، جعل و نفاق باشد ، صدای تان را رسا سازید فریاد عدالت خواهانه تان را با شیوه های عقلانی به گوش کتله های ملیونی خاموش کشور برسانید و نگذارید جهالت ، زور ، زر ، سیاهی وافرطیت مذهبی سد راه تکامل کشور گردد.

محمد یوسف از دنمارک

